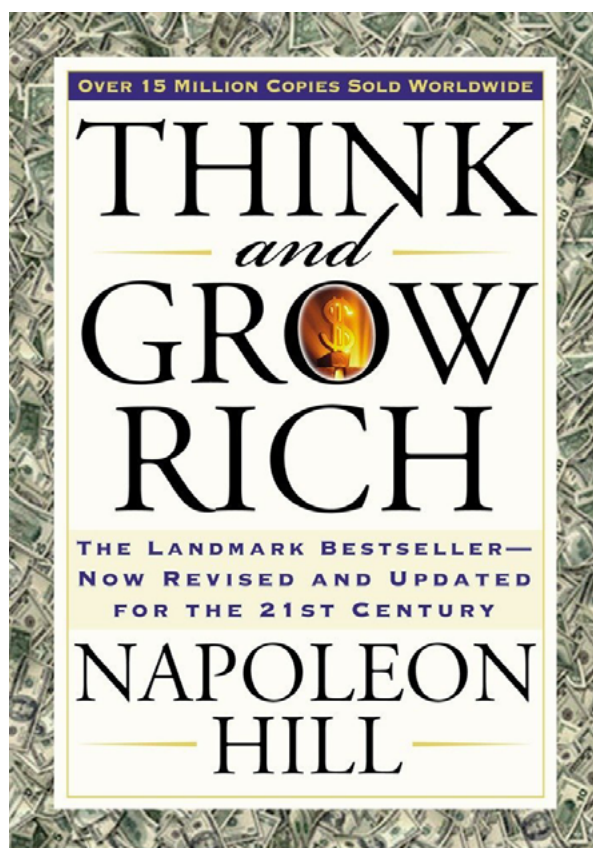


خلاصه بر اساس دیدگاه شخصی کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید

(برای درک عمیق‌تر مطالب، بهتر است اصل اثر هم مطالعه شود)

اثر ناپلئون هیل



خلاصه کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید

هر دستاوردی بهایی دارد که انسان باید پرداخت کند. در واقع رسیدن به هر موفقیتی، مستلزم ارائه یا پرداخت چیزی است. تمام موفقیت‌های دنیا، از یک ایده به وجود آمدند. فرصت معمولاً در قالب یک شکست ظاهری به وجود می‌آید، به همین دلیل خیلی از افراد فرصت‌ها را نمی‌شناسند. موفقیت‌های بزرگ به‌طور معمول تنها یک‌قدم بعد از شکست به وجود می‌آید. افراد در هنگامی که تقریباً موفق شده‌اند، با مانع یا چالشی مواجه می‌شوند و اگر آن را رفع کنند، موفقیت بزرگ حاصل می‌شود. انسان‌ها عموماً راجع به اتفاقات غیرممکن حرف می‌زنند و باور شکست و کمبود را در ذهنشان رشد می‌دهند. یکی از کارهای اساس برای دستیابی به موفقیت‌های عظیم، تغییر باورهای ذهنی است. باید باورهای شکست را از بین ببریم و باورهای موفقیت ایجاد کنیم. ۱۳ قانون (برگ برنده) برای رسیدن به ثروت و موفقیت:

۱- ذوق و شوق

۲- باور

۳- تلقین

۴- تخصص

۵- تجسم و تخیل

۶- برنامه‌ریزی

۷- عدم تعویق کارها

۸- تداوم و پشتکار

۹- تیم مشاوران

۱۰- تسلط بر میل جنسی و توان انتقال آن به سایر احساسات

۱۱- استفاده از ناخودآگاه

۱۲- استفاده از مغز پر قدرت

۱۳- حس ششم

وقتی از این سیزده برگ برنده استفاده می‌کنیم، متعجب می‌شویم که این حجم از نعمت تا الآن چرا وارد زندگی‌مان نشده.

برگ برنده اول: ذوق و شوق

برای رسیدن به موفقیت باید یادمان باشد هیچ گزینه دیگری جز «برد» وجود ندارد. داستان‌های موفقیت بسیاری وجود دارند که از این قانون استفاده کرده‌اند. اگر قصد موفقیت دارید، باید بدانید که هیچ راه بازگشتی وجود ندارد. فقط باید در مسیر هدف، موفق بشوید.

هدف انسان باید مشخص باشد و با تمام قدرت به سمت هدفش حرکت کند. آن قدر باید برای رسیدن به هدف شوق و ذوق داشته باشیم که آن هدف تبدیل به بزرگترین فکر در مغزمان شود.

هدف + برنامه عالی + عدم پذیرش شکست = موفقیت و ثروت

۶ گامی که برای تبدیل ذوق و شوق به پول و ثروت برداریم:

- ۱- کاملاً دقیق و مشخص کنیم چقدر پول می‌خواهیم.
- ۲- یادمان باشد که باید بهای هر چیزی پرداخت شود. مشخص کنیم در ازای رسیدن به این پول، حاضریم چه کارهایی را انجام دهیم.
- ۳- به‌طور دقیق مشخص کنیم چه زمانی به این پول می‌رسیم.
- ۴- یک برنامه عالی برای رسیدن به هدف بنویسیم و سریعاً اقدام کنیم. اقدام فوری خیلی خیلی مهم است.
- ۵- گام‌های ۱ تا ۴ را در یک کاغذ بنویسیم.
- ۶- هر روز ۲ بار (یکبار قبل از خوابیدن و یکبار بعد از بیدار شدن از خواب) متنی که در یک کاغذ نوشتیم را بلند بخوانیم و کاملاً تصویرسازی کنیم که صاحب این پول هستیم.

این‌که خودمان را صاحب آن پول بدانیم بسیار مهم و ضروری است. افراد حرفه‌ای و موفق، هر روز خودشان را در موقعیت‌های دلخواهشان تصور و تجسم می‌کنند.

رؤیپردازی یکی از رموز اصلی همه افراد بزرگ و موفق است. افرادی که با ذوق و شوق رؤیپردازی می‌کنند و خودشان را در موقعیت عالی تصور می‌کنند و برای رسیدن به رؤیاهایشان می‌جنگند، همان افرادی هستند که به ثروت‌ها و موفقیت‌های عالی می‌رسند.

با تمام قدرت به سمت به دست آوردن اهداف برویم و در راه رسیدن به هدف، به حرف‌های ناامیدکننده دیگران اهمیت ندهیم. یادمان باشد شکست‌ها و چالش‌های مسیر رسیدن به هدف، موقتی هستند و ما را آماده رسیدن به هدفمان می‌کنند.

خلاصه کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید

تمام موفقیت‌های بزرگ، ابتدا در ذهن یک شخص به صورت آرزو و رؤیا آمده است و آن شخص، رؤیا و آرزویش را تبدیل به یک موفقیت بزرگ کرده است. موفقیت نیازمند این است که در راه رسیدن به رؤیا، با دیدن شکست‌های موقتی کم بیاوریم و به مسیرمان ادامه بدهیم. باید برای رسیدن به هدفمان ذوق و شوق داشته باشیم و خودمان را باور کنیم که به آن می‌رسیم. زندگی مانند یک شخص «بله قربان گو» است. هر چیزی را که ما با تمام وجود از آن بخواهیم برایشان فراهم می‌کند. فقط یک محدودیت در زندگی وجود دارد: محدودیتی که خودمان در ذهنمان داریم. ذوق و شوق فراوان به همراه باور، هر غیرممکنی را ممکن می‌سازند.

برگ برنده دوم: باور

باور را باید با روش‌های مختلف، به ذهن ناخودآگاهمان منتقل کنیم. فکری که دائماً در ذهنمان تکرار می‌شوند، بعد از مدتی تبدیل به باورهای غالب ما می‌شوند. راهکار دیگر برای تغییر باورها، استفاده از تلقین به خود است. ما با تکرار جملات مثبت و دلخواه و جملات تأکیدی، می‌توانیم باورها را در خودمان به وجود بیاوریم. هر باوری که وارد ذهن ناخودآگاه انسان شود، می‌تواند روی زندگی انسان تأثیر بگذارد و در دنیای واقعی نمایان شود. برای ذهن ناخودآگاه تفاوتی بین افکار و باورهای مثبت و منفی وجود ندارد. هر موضوعی را (چه حقیقت داشته باشید و چه دروغ باشد) اگر تکرار کنیم و آن را بپذیریم و باور کنیم، آن موضوع در ذهن ناخودآگاهمان ثبت می‌شود. تکرار یکی از قدرتمندترین روش‌ها برای ایجاد باور است. باید سعی کنیم محیطمان را متناسب با باورمان در بیاوریم. از موارد منفی دوری کنیم و محیطی مثبت ایجاد کنیم. راهکاری عالی برای ایجاد باور رسیدن به موفقیت و هدف دلخواه:

- ۱- من توانایی رسیدن به هدفم را دارم و با قدرت در این راه حرکت می‌کنم.
- ۲- باورها و تفکرات غالب من، تبدیل به واقعیت‌های زندگی من می‌شوند. پس هر روز، نیم ساعت را صرف تفکر راجع به خواسته‌ها و اهدافم می‌کنم و آن‌ها را تصویرسازی می‌کنم.
- ۳- با تلقین به خود، می‌توانم هر باوری را در ناخودآگاهم به وجود بیاورم.
- ۴- اهداف اصلی زندگی خودم را می‌شناسم و تا رسیدن به آن‌ها دست از تلاش نمی‌کشم.

خلاصه کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید

۵- با تمام وجود کارهایی را انجام می‌دهم که کسی متضرر نشود و در آن معامله یا ارتباط، انرژی منفی شکل نگیرد.

هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد، جز محدودیت‌هایی که در ذهنمان باور کردیم. فقر و ثروت هر ۲ از باورها و تفکرات ما به وجود می‌آیند.

برگ برنده سوم: تلقین

تلقین، به این معناست که به صورت ارادی و با استفاده از حواس پنج‌گانه، موضوعی را وارد ذهنمان کنیم.

تلقین کردن به خود، راهکاری است که ما با آن از ذهن خودآگاهمان به ذهن ناخودآگاهمان می‌رسیم.

هر تفکری را می‌توانیم با استفاده از تلقین، وارد ذهن خودمان کنیم. چه آن فکر مثبت باشد و چه منفی.

ذهن ناخودآگاه انسان، آماده است که افکار را مانند بذر در خود بکارد و پرورش بدهد. به همین دلیل اگر بذرهای مثبت درون آن نکاریم، به‌ناچار افکار و بذرهای منفی کاشته می‌شوند و رشد می‌کنند.

تلقین کردن، یکی از راهکارهای عالی برای کاشت بذرهای مثبت در ذهنمان است. باید افکار را همراه با باور و احساس فراوان به ناخودآگاهمان برسانیم تا تأثیرگذار باشند.

برای اینکه بتوانیم به‌خوبی موضوعی را به خودمان تلقین کنیم، باید فقط و فقط روی هدفمان تمرکز کنیم نه مسیر. فرض کنیم به هدفمان رسیدیم و در آن لحظه از داشتن آن نعمت، احساس خوبی داشته باشیم.

وقتی این کار را انجام دهیم، برنامه‌ها به‌مرور به ما نمایش داده می‌شوند و اینجاست که باید بدون مکث، برنامه را اجرایی کنیم.

پس هر روز باید اهدافی که در بخش برگ برنده اول مشخص کردیم را تصویرسازی کنیم.

برگ برنده چهارم: تخصص

دانش و تخصص وقتی با یک برنامه عملی همراه بشوند و انسان را به سمت هدفی مشخص سوق بدهند، تبدیل به قدرت می‌شوند.

در اینجا منظور از تخصص و دانش، لزوماً دانشی نیست که در مدارس و دانشگاه یاد

خلاصه کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید

می‌گیریم، بلکه تخصصی است که انسان بتواند با استفاده از آن، هدفی را که می‌خواهد به دست بیاورد.

درواقع الزامی ندارد خودمان تمام این تخصص را داشته باشیم، بلکه باید بتوانیم این دانش را از خودمان و بقیه افراد به کار بگیریم تا به خواسته‌هایمان برسیم. پس باید همواره گروهی متخصص این کمبود دانش ما را پوشش بدهند و آن‌ها ما را در راه رسیدن به اهدافمان کمک کنند.

با این کار، شخصی که می‌تواند از دانش این گروه استفاده کند، به اندازه مجموع آن‌ها از تخصص بهره می‌برد و این موضوع یکی از راه‌های رسیدن به موفقیت و ثروت است. این گروه‌های متخصص از طرق مختلف به وجود می‌آیند: تجربه و تحصیلات شخصی، استفاده از افرادی با تخصص بالا به‌طور مستقیم، استفاده از آموزش‌های افراد متخصص، استفاده از کتاب‌ها و... (و به روش امروزی استفاده از گوگل و سایر مراکز جستجوی اینترنتی)

خیلی از روش‌های به دست آوردن تخصص‌ها و دانش‌ها به‌طور رایگان در اختیار ماست و نباید از آن‌ها غافل بشویم.

مطالعه و آموزش دیدن، یکی از اصول موفقیت است و هیچ‌وقت نباید متوقف شود. اگر دوست دارید تا ابد به یک زندگی عادی ادامه دهید، بعد از مدرسه و دانشگاه، مطالعه را کنار بگذارید.

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت یا شکست، ارتباطات ماست.

ارتباطات ما بسیار مهم هستند، به همین دلیل باید دائماً با افرادی در ارتباط باشیم که ما را به هدف‌ها نزدیک‌تر می‌کنند و باعث رشدمان می‌شود. (حتی اگر این ارتباط در حد مطالعه کتاب یک نویسنده باشد)

برگ برنده پنجم: تجسم و تخیل

هر چیزی که در ذهن انسان قابل‌تصور باشد، در زندگی واقعی قابل‌دستیابی است. تنها محدودیت موجود، محدودیت‌های ذهنی خودمان است.

تخیل ۲ مدل است: تجسم مصنوعی و تجسم خلاق

در نوع مصنوعی ما بر اساس اتفاقات گذشته و تجربیات زندگی خودمان، آینده‌ای مشابه گذشته و حال خودمان می‌بینیم.

ولی در نوع خلاق، ایده‌های ناب به ذهنمان می‌رسد که شاید تا این لحظه هیچ‌کدامشان را تجربه نکردیم.

هرچه قدرت تخیل خودمان را بیشتر استفاده کنیم، مثل عضلات بدنمان قوی‌تر می‌شود. وقتی ما تجسم می‌کنیم که به نتایج دلخواه رسیدیم، ایده‌های عالی برای دستیابی به آن اهداف به ذهنمان خطور می‌کند.

به این ترتیب، از ایده‌های عالی که کائنات در اختیارمان می‌گذارد استفاده کنیم.

برگ برنده ششم: برنامه‌ریزی

برای رسیدن به هر هدفی باید برنامه‌ریزی خوب و دقیق داشته باشیم. برای اینکه برنامه‌های خودمان را اجرایی کنیم نیاز به گروهی داریم که تخصص کافی در موضوعات موردنیاز ما داشته باشند. حتماً باید این گروه‌ها را تشکیل دهیم. ضمن اینکه حواسمان باشد، باید سودی که به اعضای گروه می‌رسد را به‌خوبی مشخص کنیم تا آن‌ها به‌خوبی برایمان فعالیت کنند. دائماً باید با اعضای گروه جلسات داشته باشیم تا برنامه‌های خودمان را به‌روز کنیم. حتی اگر برنامه را به‌صورت شخصی مشخص کردیم، باید حتماً از تجربه و تخصص گروهمان استفاده کنیم. اگر در حین اجرای یک برنامه به مشکلی خوردیم، سریعاً سراغ راه‌حل جایگزین (پلن بی) برویم. ممکن است برنامه‌ای خوب جواب ندهد، این به معنای شکست نیست، فقط به معنای کاربردی نبودن برنامه است. هیچ‌وقت شکست را نباید قبول کنیم. نه خودمان، نه اعضای تیممان. شکست وقتی اتفاق می‌افتد که در ذهنمان آن را قبول کنیم. یادمان باشد نتیجه‌ای را می‌گیریم که برایش تلاش می‌کنیم. بذر درست بکاریم، از آن به‌خوبی نگهداری کنیم (برنامه خوب و اجرایی همراه صبر) و نتایج دلخواه‌مان را درو کنیم. ثروت و موفقیت بدون تلاش معنی ندارد.

برگ برنده هفتم: عدم تعویق کارها

اصلی‌ترین دلیل شکست دائمی افراد، تعلل و به تعویق انداختن کارهاست. تصمیم سریع و انجام کارها، عادت بزرگ و همیشگی افراد موفق و ثروتمند است. وقتی قرار است تصمیم بگیریم باید سریع این کار را انجام بدهیم، ولی وقتی تصمیمی را گرفتیم، خیلی سخت باید آن را رها کنیم. درواقع بعد از بررسی‌های اولیه سریعاً کار را شروع کنیم ولی نباید به‌راحتی جا بزنیم. تحت تأثیر بقیه نباشیم، خودمان و اعضای تیممان تنها کسانی هستند که اجازه داریم روی تصمیم تأثیر بگذاریم. باید کم‌حرف زدن و بیشتر گوش دادن را یاد بگیریم تا بتوانیم از دیگران یاد بگیریم.

خلاصه کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید

وقتی دقیق بدانیم چه چیزی را می‌خواهیم، تصمیم‌گیری صحیح و سریع کار سختی نیست.

تصمیم‌گیری سریع و قطعی، نشان‌دهنده شجاعت شخص است.

برگ برنده هشتم: تداوم و پشتکار

اگر در کنار اشتیاق و شوق فراوان نسبت به هدف، تداوم و پشتکار قرار بگیرد، هر هدفی دست‌یافتنی است.

افراد ضعیف و شکست‌خورده، با اولین شکست و چالش، دست از تلاش برمی‌دارند. ولی موفق‌ها و ثروتمندان می‌دانند که شکست‌های ظاهری، به معنای این است که باید اصلاحی در برنامه ایجاد کنند و دوباره تلاش کنند.

عدم تداوم در کار، یکی از مهم‌ترین عوامل شکست دائمی افراد شکست‌خورده است. با استفاده از نیروی خود تلقینی و همچنین همراهی تیم مشاوران خود، می‌توانیم پشتکار را افزایش بدهیم.

پشت هر موفقیت و دستاوردی، قطعاً یک مرد یا زن وجود دارد که در مسیر هیچ‌وقت کم نیاورده است.

موفقیت‌های بزرگ حاصل آرزوهای بزرگ نیست، بلکه حاصل اهداف دقیق، برنامه مشخص، شور و شوق فراوان و تداوم در اجرای کارهاست.

برگ برنده نهم: تیم مشاوران

وقتی یک تیم و گروه با هدفی مشترک دورهم جمع می‌شوند، از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردارند.

این تیم علاوه بر منافع مادی که می‌توانند به وجود بیاورند، می‌توانند منافع دیگری مانند پشتکار، بالا بردن روحیه و قدرت هم ایجاد کنند.

استفاده از مشاورانی با تخصص و تجربه بالا، امکان اشتباه کردن را کاهش می‌دهد و همچنین یکی از بزرگ‌ترین منابع دسترسی به دانش تخصصی به شمار می‌آید.

وقتی چند نفر دورهم جمع می‌شوند و بر روی یک موضوع متمرکز می‌شوند، نتیجه حاصل از حاصل جمع تلاش‌های تکی هرکدام بیشتر می‌شود. چراکه انرژی موجود در جمع باعث افزایش کار آیی و بازدهی همه اعضای تیم می‌شود.

برگ برنده دهم: تسلط بر میل جنسی

میل جنسی انسان، تأثیرات زیادی در زندگی دارد. علاوه بر ادامه نسل، ارضای این میل و تسلط بر آن باعث سلامتی انسان می‌شود. میل جنسی انسان، بزرگ‌ترین منبع تحریک ذهن است و نباید سرکوب شود. وقتی این میل به شکل صحیح و درست و بی‌خطر ارضا شود، انسان به فراتر از آن می‌رود و با ذهنیتی خلاق روی موضوعات دیگر متمرکز می‌شود. تحریک‌های میل جنسی اگر سرکوب شود، باعث می‌شود خلاقیت بشر از بین برود. لذا لازم است به شکلی اصولی از این قدرت عظیم موجود در بدنمان، بهره ببریم و قدرت خلاقیت خود را بالاتر ببریم.

برگ برنده یازدهم: ناخودآگاه

هر چیزی که وارد ذهن ناخودآگاه ما بشود، قابلیت تبدیل به معادل فیزیکی خودش را دارد. ذهن خودآگاه ما هم‌زمان با خواب ما از کار می‌افتد ولی ناخودآگاه دائماً در حال کار است. ذهن ناخودآگاه اهمیتی نمی‌دهد که ما ذهنیت و فکری را دوست داریم یا نه. هر آنچه وارد آن بشود، ناخودآگاه دنبال پیدا کردنش در دنیای واقعی می‌گردد. پس اگر خودمان به شکل درست ناخودآگاهمان را برنامه‌ریزی نکنیم، احتمالاً توسط ورودی‌های مختلف و غیر دلخواه‌مان، برنامه‌ریزی می‌شود. ما می‌توانیم ذهنمان را با خوراک خوب و مثبت مانند شوق، ایمان، عشق، میل جنسی، دلگرمی و شادی، قدرت تخیل و امید تغذیه کنیم. ولی اگر این کار را نکنیم، ذهنمان پر از وحشت و حسادت و نفرت و حرص و طمع و حس انتقام و خرافات و عصبانیت می‌شود. باید بدانیم به‌طور هم‌زمان احساس مثبت و منفی نمی‌توانند در ناخودآگاه قرار بگیرند. اگر ما کاری را انجام می‌دهیم ولی احساس منفی در ذهنمان وجود دارد، همان را دریافت می‌کنیم که در ذهنمان وجود دارد. پس برای رسیدن به هر موفقیتی، نیاز داریم ذهن ناخودآگاه خودمان را پر از احساس مثبت بکنیم.

برگ برنده دوازدهم: مغز پر قدرت

مغز ما مانند یک ایستگاه رادیویی است که گیرنده و فرستنده افکار است. ذهن ناخودآگاهمان (برگ برنده یازدهم) فرستنده است؛ یعنی افکار مغز را به دنیای بیرون و به سمت کائنات می‌فرستد. و تجسم و تخیل خلاق مانند دستگاه گیرنده افکار است که از تیم مشاوران و اطراف و محیط و کائنات، افکار و ایده‌ها را دریافت می‌کند. ضمن اینکه تلقین به خود، باعث فعال‌تر شدن فرستنده‌های مغزمان (ناخودآگاهمان) می‌شود. پس با استفاده از ناخودآگاه، تخیل خلاق و همچنین تلقین به خود، می‌توانیم از مغز پر قدرت خودمان برای رسیدن به اهداف بزرگمان استفاده کنیم.

برگ برنده سیزدهم: حس ششم

حس ششم انسان آخرین برگ برنده برای رسیدن به موفقیت و اهداف است. حس ششم وقتی فعال می‌شود که ما از ۱۲ برگ برنده خودمان استفاده کنیم. حس ششم در واقع معمولاً هنگام تجسم خلاق به وجود می‌آید و به یکباره و بدون تلاش خاصی از طرف فرد برای شخص نشانه‌هایی فرستاده می‌شود. در واقع وقتی ما ۱۲ برگ برنده را یاد می‌گیریم و فعال می‌کنیم، در زمانی که توقعش را نداریم، ایده‌های فوق‌العاده و نابی به ذهنمان خطور می‌کند. اینجا حس ششم ما فعال می‌شود و می‌توانیم نتایج رؤیایی آن را تجربه کنیم. یادمان باشد حس ششم چیزی نیست که دنبال فعال کردنش باشیم، هر زمان که از اصول به‌درستی استفاده کنیم و آمادگی دریافت نشانه داشته باشیم، در دسترس قرار می‌گیرد.

شش ترس اصلی انسان‌ها

تا زمانی که سه سد بزرگ تعلل، شک و ترس در وجود انسان وجود داشته باشد، دستیابی به هدف‌ها تقریباً محال است. این سه سد بزرگ را باید بشناسیم و از بین ببریم. معمولاً این سدها به صورت ترس خودشان را نشان می‌دهند. پس ما لازم است ترس‌های اصلی را بشناسیم و با آنها مقابله کنیم. شش ترس اصلی در وجود انسان‌ها عبارت‌اند از:

خلاصه کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید

ترس از فقر و بی‌پولی
ترس از موردانتقاد واقع شدن (ترس عدم مقبولیت)
ترس از بیماری‌ها
ترس از دست دادن کسانی که دوستشان داریم
ترس از پیر شدن
ترس از مرگ

با تصمیم‌گیری سریع و قاطع، ترس کم‌رنگ می‌شود و با اقدام از بین می‌رود. در نهایت، آخرین عاملی که علاوه بر ۶ ترس بالا باید مراقبش باشیم، افکار منفی است که از هر ترس و هر سدی خطرناک‌تر است. باید فکر خود را تحت کنترل خود دریاوریم. با استفاده از معاشرت با افراد مثبت و کسانی که ما را به تفکر درست وامی‌دارند، می‌توانیم روی فکر خودکنترل خوبی داشته باشیم.

فکر خود را کنترل کنیم و بهانه‌ها را کنار بگذاریم تا موفقیت‌های بزرگ را ببینیم.